



«جستارهایی در کارنامه علمی و اخلاقی زنده‌یاد آیت‌الله‌العظمی سیدمحمدعلی علوی گرگانی» در گفت‌وشنود با حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمدحسن صافی گلپایگانی

کردار او درس اخلاق بود

■ **سیدحسین کشفی**

درآمد:

مرجعیت زنده‌یاد آیت‌الله‌العظمی سیدمحمدعلی علوی گرگانی از نیمه‌مرداد۱۳۷۱آغاز گشت و امسال – که چندماه از رحلت آن بزرگ می‌گذرد– ۳۰ ساله شد. این مناسبت، موسمی مغتنم است که کارنامه علمی و عملی آن فقیه فقید، مورد بازخوانی و درس‌اندوزی قرار گیرد. در گفت‌وشنود پی آمده، حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمدحسن صافی گلپایگانی فرزند زنده‌یاد آیت‌الله‌العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی به بازگویی پاره‌ای از یادمان‌های خویش از سیره آیت‌الله علوی پرداخته است. از تاریخ‌پژوه گرانی، حجت‌الاسلام‌والمسلمین ناصرالدین انصاری قمی به لحاظ حضور در این مصاحبه‌سپاسگزاریم، امید آنکه تاریخ‌پژوهان حوزه علمیه قم و عموم علاقه‌مندان را مقید و مقبول آید.

■ ■ ■

جناب‌عالی از چه مقطعی و چگونه با زنده‌یاد آیت‌الله‌العظمی سیدمحمدعلی علوی گرگانی آشنا شدید؟ علاوه بر این از روابط ایشان با زنده‌یادان آیت‌الله‌العظمی سیدمحمدرضا گلپایگانی و آیت‌الله‌العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی چه نکاتی را در خور ذکر می‌بینید؟

بسم‌الله الرحمن الرحیم. درباره مرحوم آیت‌الله‌العظمی آقای علوی گرگانی (رضوان‌الله علیه) مطالب مهمی را بزرگان حوزه بیان فرموده‌اند و بنده کوچک‌تر از آن هستم که بخواهم درباره مقامات علمی، معنوی، سجایای اخلاقی و به ویژه تواضع ایشان، عرضی داشته باشم، اما با توجه به اینکه آن بزرگوار دین بزرگی به گردن ما و حوزه علمیه قم دارند، در حدی که در توان و مقدور زبان الکنم است، عرایضی را تقدیم می‌کنم.

آیت‌الله علوی گرگانی، نمونه مکارم اخلاقی، خصال برجسته رفتاری و خصوصاً تواضع بودند. خُلقیات که جد بزرگوارشان حضرت رسول(ص) درباره آن فرموده‌اند: «لَئِمَّا بُعِثْتُ لَا تَمُتُ مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ»، ایشان حقیقتاً از این ویژگی‌های اخلاقی و مرام پسندیده‌ای که حضرات معصومین(ع) از شیعیان‌شان توقع دارند، برخوردار بودند و از امثال ایشان، جز این هم انتظاری نیست. شخصیت‌هایی که همه عمر خود را در راه خدا و برای ترویج معارف دین و ارشاد مردم صرف کرده‌اند، اول خودشان باید نمونه اخلاق باشند. همان‌طور که امام‌صادق(ع) فرمودند: «کونوا دَعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ السَّبْتِکُمْ». این خیلی مهم است که اگر می‌خواهید مردم را به راه راست دعوت و آنها را هدایت و با مکتب نورانی اهل‌بیت(ع) آشنا کنید، با اخلاق خودتان دعوت‌شان کنید. این وظیفه همه روحانیون و کسانی است که می‌گویند ما شیعه اهل‌بیت(ع) و امیرالمؤمنین(ع) هستیم. بی‌شک این بزرگوار، دارای چنین سیره اخلاقی‌ای بودند که موجب شده بود محبوب مردم باشند، اعم از حوزویان، اهالی شهر مقدس قم و نیز اهالی شهرهای دیگر. یکی از خصوصیاتِی که ایشان داشتند، این بود که با وجود بهره‌مندی از مقامات بالای علمی، تبلیغ را

فراموش نکرده بودند و در ایام ماه‌های مبارک رمضان و نیز محرم و صفر، به منبر می‌رفتند و مردم را وعظ می‌کردند. این خیلی مهم است. مرحوم آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی(رضوان‌الله علیه) موقعی که در مسجد حسین آباد بازار قم اقامه جماعت می‌کردند، بعضی وقت‌ها بعد از نماز، صحبت می‌کردند، از روی کتاب حدیث می‌خواندند و حتی برخی مطلب تاریخی را برای مردم بیان می‌فرمودند. با اینکه مرجعیت عامه داشتند، اما تبلیغ را فراموش نکرده بودند و این به خودی خود، اثر خاصی داشت. مرحوم آیت‌الله‌العظمی علوی هم، اینچنین بودند. تواضع ایشان با طلبه‌ها و حتی کسانی که تازه به حوزه علمیه قم وارد شده بودند، بسیار جالب بود. ایشان بین محصلان تازه‌وارد و کسانی که سالیان سال در حوزه بودند، در رفتار متواضعانه فرقی نمی‌گذاشتند، البته همواره به بزرگان و

استادان خود، احترام خاصی می‌گذاشتند که به‌طور طبیعی عادت اعلام و یکی از عوامل مهم موفقیت آنان است. بحمدالله تعالی ایشان هم، صاحب این خصلت بزرگ بودند. هم به استادان و بزرگان حوزه احترام می‌گذاشتند و هم به کسانی که تازه وارد حوزه شده بودند و این خیلی برای یک عالم مهم است، یک عالم ربانی باید دارای چنین صفات ارزنده‌ای باشد. من موقعی که شرح لمعه می‌خواندم، مقدار زیادی از جلد اول شرح لمعه را نزد ایشان و در مسجد اعظم (بخش زیر گنبد) خواندم. طلاب زیادی در درس ایشان شرکت می‌کردند. بیان بسیار رسا، زیبا و دلنشینی داشتند و لذا درس ایشان، خستگی نمی‌آورد. بعضی از استادان، از نظر علمی مراتب بالایی دارند، ولی بیان‌شان چندان قوی نیست و به‌خصوص برای کسانی که تازه وارد حوزه می‌شوند، خسته‌کننده است، ولی ایشان بیان

محل این درس، کجا بود؟

در مدرسه خان که وارد می‌شدیم، دست چپ،

حجره اول. حجره‌ای بود که مرحوم آقای آقا

سیدمحمدحسن بروجردی، آقازاده مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی در اختیار چند تن

از طلاب گذاشته بودند و ما به آنجا می‌رفتیم

و مباحثه می‌کردیم. اغلب در آن حجره درس

ایشان شرکت می‌کردند. بیان بسیار رسا، زیبا و

دلنشینی داشتند و لذا درس ایشان، خستگی

نمی‌آورد. بعضی از استادان، از نظر علمی مراتب

بالایی دارند، ولی بیان‌شان چندان قوی نیست

و به‌خصوص برای کسانی که تازه وارد حوزه

می‌شوند، خسته‌کننده است، ولی ایشان بیان

عکس تاریخی و جالب دارند. ایشان وقتی از کنار در منزل آیت‌الله‌العظمی بروجردی می‌بوسندا یکی هم آمده و به‌طور اتفاقی، از ایشان عکسی گرفته و پخش شده‌است. این رفتار دلیل بر چیست؟دلیل بر این است که آنها تا آخر عمر، به‌استادان خود احترام می‌گذاشتند. درس اخلاق اینهاست، احترام به بزرگان و استادان، ماننددبیم که در محضر این بزرگواران، غیبتی بشود یا کسی جرئت داشته باشد حرف نامناسبی بزند!



نهیج‌البلاغه ایشان، بنده تنها نبودم و چند تن از دوستان هم بودند که می‌آمدند و استفاده می‌کردند.

می‌توانید به نام برخی از آنها اشاره کنید؟

نام تمامی شرکت‌کنندگان را به‌خاطر ندارم،

بعضی‌های‌شان شهید شدند. از آنها که هستند،

آقای بود به نام آقا سیدمحمد رضوی که الان

مسجد دارند و مشغول خدمتند. آقای بود به نام

آقای حاج‌شیخ حسین احمدی که تهرانی بودند

و شرکت می‌کردند. به‌نظم آقا سیدمحمدعلی

فقیه تبریزی هم بودند که تصادف کردند و

مرحوم شدند. ایشان در آنجا و روبه‌روی این

حجره، حجره داشتند و می‌آمدند و در درس

شرکت می‌کردند. آن موقع واقعاً برای ما خیلی

مهم بود که شخصیتی مثل ایشان تشریف

بیاورند و ما نهیج‌البلاغه را از محضرشان استفاده

کنیم. رحمت‌خدا بر آن بزرگوار باد. ایشان در

تحصیل، تلاش زیادی کرده بودند و همچنین

در تدریس نیز جدیت داشتند و همیشه هم به

آقایان طلاب، در این باره سفارش می‌کردند.

اصلاً یک قسمتی از درس‌شان را به توصیه به

طلاب اختصاص می‌دادند. در این توصیه‌ها،

هم مطالب اخلاقی را بیسان می‌کردند و گاهی

اوقات به مناسبت‌هایی که پیش می‌آمد، مطالب

تاریخی را هم مورد توجه قرار می‌دادند. در ایام

شهادت معصومین(ع)، صحبت می‌کردند و مثلاً در ایام شهادت امام‌صادق(ع) نکات روایی

و تاریخی‌ای را بیسان می‌کردند که برای کسانی

که شرکت می‌کردند و اکثراً طلاب مبتدی

بودند، بسیار مفید بود. توصیه‌های اخلاقی هم

داشتند. خودشان هم از لحاظ اخلاقی، چهره

برجسته‌ای بودند و تنها درس ایشان تأثیر گذار

نبود و طلبه‌ها، نوعاً ایشان را دوست داشتند. آن

آیت‌الله علوی در تحصیل، تلاش زیادی کرده بودند و همچنین در تدریس نیز جدیت داشتند و همیشه هم به طلاب در این باره سفارش می‌کردند. همواره یک بخشی از درس‌شان را به توصیه به طلاب اختصاص می‌دادند. نکات روایی و تاریخی‌ای که بیان می‌کردند، برای حضار بسیار مفید بود. توصیه‌های اخلاقی هم داشتند. خودشان هم از لحاظ اخلاقی، چهره برجسته‌ای بودند و تنها درس ایشان تأثیر‌گذار نبود و طلبه‌ها، نوعاً ایشان را دوست داشتند. آن چهره منبسط و لبخندی که بر لب داشتند، جذابیت بسیاری داشت

چهره منبسط و فضایل اخلاقی ایشان و لبخندی که بر لب داشتند، جذابیت بسیاری داشت. اشاره کردید به اهتمام آیت‌الله علوی گرگانی به امر تبلیغ و وقتی که برای آن می‌گذاشتند. آیا در این باره خاطره‌ای هم دارید؟

مسئلاً ایشان به مراتب بالای علمی و اجتهاد و

در پی آن مرجعیت رسیده بودند و حوزه علمیه

هم، بسیار از مراتب علمی و معنوی ایشان بهره

برد، با این همه به امر تبلیغ، علاقه زیادی نشان

می‌دادند. در اوایل انقلاب و سال ۱۳۵۸ که به حج

مشرّف شدم، ایشان به عنوان روحانی کاروان، با

حجاج شمال آمده بودند و در شب‌هایی که در

مناقامت داشتند، برای آنها موعظه می‌کردند.

حاضر بودند تمام مشکلات را به دوش بکشند و

اموری از این قبیل را قبول کنند تا برای تبلیغ

معارف دینی و هدایت مردم قدمی بردارند. ایشان

می‌توانستند بگویند: چرا من بروم و این کار را

انجام بدهم، دیگران هستند، ولی خوشبختانه

این احساس مسئولیت را داشتند و به تربیت

مردم اهمیت می‌دادند. هم عالم، هم مدرس، هم

واعظ و مبلغ و هم معلم اخلاق بودند. اینها خصال

بسیار بزرگ و بالارزشی هستند و طلاب محترم

حوزه‌های علمیه، باید از این وضعیتی که این

بزرگان داشتند، درس بگیرند و این خصوصیات

چون خاصیت آموزندگی دارند، باید مکرراً گفته

شوند. بعضی‌ها می‌آیند و می‌گویند: آقا! درس

اخلاقی بگویید. مگر درس اخلاقی را باید گفت؟

همین رفتار و کردار علما و بزرگان، به خودی

خود درس اخلاقی و تربیت‌کننده است. اینها

مهم و در خور توجه هستند. آیت‌الله‌العظمی

صافی گلپایگانی(رضوان‌الله علیه)، یک عکس

تاریخی و جالب دارند. ایشان وقتی از کنار در

منزل آیت‌الله‌العظمی بروجردی عبور می‌کنند،

ایستاده‌اند و دارند در را می‌بوسند! یکی هم آمده

و به‌طور اتفاقی، از ایشان عکسی گرفته و پخش

شده است. این رفتار دلیل بر چیست؟ دلیل بر این

است که اینها تا آخر عمر، به استادان خود احترام

می‌گذاشتند. درس اخلاقی اینهاست، احترام به

بزرگان و استادان. ما ندیدیم که در محضر این

بزرگواران، غیبتی بشود یا کسی جرئت داشته

باشد تا حرف نامناسبی بزند! هر چه که بود، بیان

آیات و روایات الهی و مراعات نکات اخلاقی بود.

مجلس آیت‌الله علوی هم، مجلس ذکر، صحبت

از تقوا و علم و روایات اهل‌بیت(ع)، عبرت‌های

تاریخی و مطالب علمی بر مسوم در حوزه‌های

علمیه بود. نکته مهمی که طلاب محترم باید توجه

داشته باشند، این است که باید از آنات و دقائق عمر

خودشان استفاده می‌کردند. من می‌توانم شهادت

بدهم که این بزرگواران، نمی‌گذاشتند عمرشان

به بطالت بگذرد یا مثلاً بنشینند و درباره مطالب

بیهوده‌ای که فایده‌ای نداشته باشد، باهم صحبت

کنند. سرمایه بزرگی که خداوند متعال به انسان

داده، عمر است. شاید بزرگ‌ترین سرمایه‌ای است

که می‌توانیم از آن استفاده کنیم. نمی‌گذاشتند

که عمر‌شان، در راهی غیر از راه خدا صرف بشود.

همیشه به یاد خدا بودند و مردم را به یاد خدا

می‌انداختند. مطالعه می‌کردند. همان‌گونه که

فرموده‌اند یا عالم باش یا متعلم بر سبیل نجات.

بحمدالله تعالی، این شخصیت‌ها چنین حالتی

داشتند و مردم را ارشاد می‌کردند. این وظیفه

بزرگی است که روحانیت بر عهده دارد و ما باید

از اخلاقی این بزرگان استفاده کنیم و سرمشق

بگیریم و اینها برای ما الگو باشند. به هر حال و

بالاخره، باید تسلیم امر خدا بود و هر کسی اجلی

دارد. این طور نیست که ما همیشه زنده و در این

دنیا باشیم. خداوند به پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید:

«لَئِكَ مِيتٌ وَإِنَّهُمْ مِيتُونَ»(زمر/۳۰) چند سالی که

این بزرگواران در قید حیات هستند، باید سعی

کنیم از آنان علم و معرفت و اخلاق بیاموزیم؛ اینکه

در بابیم که نهایتاً باید بعد عمر را چگونه بگذرانیم و

رهسپار عالم دیگر بشویم. همه ما رفتنی هستیم،

مهم این است که بدانیم تا از این فرصت عمر

چگونه باید استفاده کنیم. مرحوم آیت‌الله‌العظمی

صافی گلپایگانی می‌فرمودند: «طوری زندگی کنید

که در آینده وقتی به سوابق خودتان نگاه می‌کنید،

خوشحال باشید و از آن سوابق پشیمان نشوید. الان از این فرصتی که خداوند به شما داده، در راه خدا استفاده کنید...». ایشان هر کسی را هم، به یک کسی مسئول بود و بسا مردم سر و کار داشت. می‌فرمودند: با مردم این گونه رفتار کنید، اخلاق خوب داشته باشید، به محرومان کمک کنید و مواظب آنها باشید و از این فرصتی که خداوند متعال به شما داده، درست استفاده کنید. عمر که می‌گذرد و ان‌شاءالله ما باید بتوانیم تا آن را در راه خدا مصرف و خلق خدا، یعنی عبدالله را از خودمان راضی کنیم.

در دوره‌ای محل اقامت آیت‌الله علوی گرگانی در برابر منزل آیت‌الله گلپایگانی بود. خود ایشان هم به آقای گلپایگانی ارادت زیادی داشتند از جنبه فتوا و مهم‌تر از آن احتیاط بودند. فتوا نیز به ایشان بسیار شبیه بودند. گذشته از این همه، به آیت‌الله صافی گلپایگانی هم ارادت فراوانی داشتند. از شباهت‌های آیت‌الله علوی به این بزرگان، به مواردی اشاره کنید؟

خدا را حمت کند مرحوم آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی را در مسائل فقهی و فتوا خیلی احتیاط می‌کردند. یادم است که آیت‌الله‌العظمی صافی در کنگره آیت‌الله گلپایگانی که صحبت کردند، فرمودند: ما نتوانستیم یک فتوای خلاف مشهور از ایشان پیدا کنیم!... ایشان این صفت احتیاط را به‌طور طبیعی به اطرافیان منتقل می‌کردند.

آیت‌الله علوی هم در این زمینه محتاط بودند و فتاوی غیر مشهور نداشتند...

بله، من یادم است که منزل شما و منزل دجمان مرحوم آیت‌الله گلپایگانی(رحمه‌الله علیه) روبه‌روی هم بود، البته در آن موقع، من خیلی کوچک بودم و جزئیات رفت و آمدهای این دو بزرگوار یادم نیست، ولی مسلماً چون همسایه بودند، رفت و آمد و مراوده داشتند. خودشان می‌فرمودند: در درس مرحوم آیت‌الله گلپایگانی شرکت می‌کردند...

خودشان می‌گفتند: پس از درگذشت پدرم مرحوم آقای حاج سیدسجاد علوی که برای تشکر خدمت آیت‌الله گلپایگانی رسیدم، فرمودند: می‌ادا به بزرگان برگردید، شما در حوزه قم

بمانید و به کار خودتان ادامه دهید...

مرحوم آیت‌الله‌العظمی صافی از مرحوم آیت‌الله سجاد علوی، پدر بزرگوار آقای علوی خیلی تعریف و خیلی زیاد از ایشان یاد می‌کردند.

احتمالاً ارتباط خاصی با ایشان داشتند و همیشه ذکر خیرشان وجود داشت.

یکی از نکات دیگری که آیت‌الله علوی می‌گفتند، این بود که قبل از آغاز مرجعیت که رساله خود را ندین

و آماده کرده بودند، آن را خدمت آیت‌الله گلپایگانی می‌دهند و نظر

مساعد ایشان را نیز دریافت می‌کنند.

از سوی دیگر برخی تحلیلگران سیره آقای علوی، گفته و نوشته‌اند که رفتار ایشان در دوره مرجعیت، به لحاظ

پایبندی به سنت‌ها و آداب دین، ادامه سیره و منش آیت‌الله گلپایگانی بود. مجموعه قرائن نشان می‌دهد

ایشان به مرحوم گلپایگانی علاقه و ارادت خاصی داشتند...

البته نسبت به آیت‌الله‌عظمی گلپایگانی، تقریباً کلیت‌حوزه‌ای طور بود و همه بزرگان آن، به ایشان ارادت داشتند. ایشان برای حفظ و شکوفایی حوزه قم، خیلی زحمت کشیدند. بعد از رحلت مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی که نهضت اسلامی پیش

آمد و بعد تبعید مرحوم امام خمینی، وضعیت حوزه شکل خاصی به خود گرفته بود. در آن موقع کسی که تمام تلاش خود را به حفظ حوزه معطوف کرد، ایشان بود. موقعی بود که حکومت می‌خواست از طلبه‌ها امتحان بگیرد و آنها را به سرپایز بفرستد،

خب کسی که در برابر اینگونه رفتارها به‌طور جدی ایستادگی کرد، آقای گلپایگانی بود یا فضایی مثل دست‌گذاشتن رژیم گذشته روی اوقاف و

این برنامه‌ها، ایشان شدیداً با این برنامه‌ها مخالفت کردند یا تحریم کردن اجناس و کالاهایی که زیر نظر

بهائی‌ها وارد یا تولید می‌شد. از قضا در آن موقع، این کار بسیار مشکل هم بود یا مثلاً در همان سال‌ها،

در قم سینما ساختند که حرمت و قداست شهر را از بین ببردند و ایشان در اعتراض به آن، سخنرانی بسیار تندی کردند مثلاً در یکی از شهرها، به قرآن جسارت کرده بودند و ایشان سخنرانی بسیار مهمی را ایراد کردند. وقتی که مناهای اتفاق می‌افتاد، خیلی ناراحت می‌شدند و درباره آن حساسیت داشتند،

البته باید گفت که مرحوم آیت‌الله گلپایگانی، مشاور بسیار دانا و توانایی مثل مرحوم آیت‌الله صافی داشتند که یکی از نعمت‌های الهی‌ای بود که خداوند به ایشان داده بود. ایشان در همه مسائل

به آقای گلپایگانی مشاوره می‌دادند و اکثر قریب به اتفاق بیانیه‌ها و اطلاعیه‌های ایشان را آقای صافی نوشته بودند. به هر حال وجود این خصلت در آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله صافی، موجب شده بود نوع علما

و مدرسین حوزه قم، از جمله مرحوم آقای علوی به ایشان علاقه‌مند باشند.

آیت‌الله‌العظمی سیدمحمدعلی علوی گرگانی، به هنگام اقامه نماز

حجت‌الاسلام‌والمسلمین،محمدحسن صافی گلپایگانی در کنار آیت‌الله‌عظمی سیدمحمدعلی علوی گرگانی

